



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی الگوی مسکن خانه‌های رشت در دوره پهلوی

محمد مرتاض هجری^۱، سید عباس آقا یزدانفر^۲

۱- کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

(m_mortaz@alumni.iust.ac.ir)

چکیده

معماری بومی مناطق مختلف کشور ما با گذر زمان منطبق بر فرهنگ و اقلیم هر منطقه شکل می‌گرفته است؛ ازین رو شناخت ویژگی‌های بومی و فرهنگی مسکن یک منطقه و هماهنگ کردن آن با توجه به نیازهای امروز می‌تواند حس تعلق ساکنین را نسبت به محله زندگی خود افزایش دهد. تحقیق پیش‌رو با توجه به اسناد و مدارک تاریخی به مطالعه خانه‌های دوره پهلوی رشت پرداخته است. این مقاله توصیفی چگونگی قرارگیری بناها در زمین، جهت‌گیری بناها، چگونگی شکل‌گیری پلان، مصالح، سازه و تزئینات نمونه‌های این دوره را بررسی می‌کند. در انتها نیز خانه‌ها بر اساس الگوی شکل‌گیری پلان به سه گونه اصلی تقسیم می‌شوند.

کلمات کلیدی: گونه‌های مسکن، رشت، دوره پهلوی

۱- مقدمه

یکی از اهداف مسکن که پیش از هر چیز پاسخگویی به یک نیاز زیستی انسان، یعنی سرپناه است. مسکن محلی است برای آرامش انسان. هماهنگی این مکان با سبک زندگی یک منطقه منتج به وجود آمدن حس تعلق در میان باشندگان خود می‌شود. مهاجرت مردم به سمت شهرهای بزرگ و توسعه بیش از اندازه این شهرها، نیاز شدید به مسکن را با خود همراه داشت. ساخت سریع مسکن با الگویی واحد در تمامی نقاط کشور، باعث ظهور ساختمان‌هایی می‌شود که تنها سرپناهیست برای ساکنین خود. شناخت الگوهای بومی به ما کمک می‌کند تا با فرهنگ یک منطقه بیش‌تر آشنا شویم و در صدد پاسخ به نیاز ساکنین یک منطقه وارد مسیر طراحی شویم.

۲- ادبیات موضوع

مسکن

به عقیده‌ی باشلار، خانه تنها به سررشته‌ی حکایت هرروز یا روایت داستان زندگی ما به تجربه در نمی‌آید، بلکه در اینجا خاطره و خیال نیز گرد هم می‌آیند. گذشته، حال و آینده به خانه دینامیسم‌های گوناگون می‌بخشند که گاه به هم برخورد می‌کنند، گاه باهم درگیر می‌شوند و گاه نیز در زندگی محرک یکدیگرند. ما نمی‌توانیم تداوم از دست‌رفته را زندگی دوباره ببخشیم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

(برگسن) تنها می‌توانیم آن را خطی از زمان انتزاعی تصور کنیم که به دور از هر عینیتی وجود دارد. بر اثر اقامت طولانی در این فضا، خالص‌ترین گونه‌های فسیل‌شده صورتی تازه می‌یابند. توالی پیوسته‌ای از بودن در فضای ثابت وجود، وجودی که خواهان جاودانگی است. (باشلار، ۱۳۹۲)

سکونت از نظر شولتز بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد. این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. بدین ترتیب انسان زمانی بر خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد. (شولتز، ۱۳۹۲)

شولتز سکونت را به ۴ شیوه تقسیم‌بندی می‌کند.

- آبادی: نخستین صحنه‌ی رخداد سکونت طبیعی است. آبادی در حقیقت راه‌حلی برای مسئله‌ی بنیادین یافتن جای پا در جهانی مفروض است. آبادی به‌عنوان مکان چهره به چهره شدن انسان‌ها عمل می‌کند. جایی که در آن انسان‌ها به مبادله‌ی فرآورده‌های مصنوع اندیشه‌ها و احساسات خود با یکدیگر می‌پردازند.
- سکونت مجتمع: در فضای شهری، انسان با احساس آزمودن آنچه به یک جهان غنا می‌بخشد مسکن می‌گزیند. با بهره‌جویی از واژه "تجمع" با مفهوم ریشه‌ای آن که گردآمدن و انجمن کردن می‌باشد، می‌توان این شیوه را سکونت مجتمع خواند.
- سکونت عمومی: یک دیدارکده عمومی یا مکانی که ارزش‌های مشترک در آن نگهداری شده و به منصفی ظهور می‌رسند. چنین جایی را معمولاً نهاد یا بنای عمومی نامیده‌اند. از این رو شیوه سکونتی را که در خدمت آن قرار گیرد می‌توان سکونت عمومی خواند.
- سکونت خصوصی: وجود هر فرد از جریانی ویژه و مختص به خود پیروی می‌کند. لذا سکونت آن گوشه‌گیری که لازمه شکل‌گیری و پرورش هویت ویژه فردی است را شامل می‌شود. این شیوه که شامل فعالیت‌هایی است که از جانب دیگران دور نگه داشته می‌شود را می‌توان سکونت خصوصی نامید. صحنه‌ی اجرای سکونت خصوصی بنای مسکونی یا خانه است که تحت عنوان "پناهگاه یا مکانی که خاطرات تشکیل‌دهنده‌ی جهان خصوصی آدمی را در خود گردآورده و به نمایش می‌گذارد مشخص می‌گردد." در خانه آشنایی با جهان بی‌واسطه صورت می‌پذیرد. می‌توان گفت خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته. زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده است. از این رو هویت فردی در سکونت خصوصی مستتر می‌باشد. (همان)

مسکن بومی

معماری بومی به معنای معماری‌ای که در یک سرزمین شکل گرفته و رشد کرده است می‌باشد. "سرزمین" می‌تواند مقیاس محلی و یا ملی داشته باشد. بنابراین معماری بومی از خانه‌های روستایی دشت گیلان تا مساجد و مدارس بزرگ اصفهان را در بر می‌گیرد. تاریخ معماری بناهای خاص را در بر می‌گرفته است و حرکتی که در مقابل مطالعات بناهای خاص به وجود آمده و بناهای ناشناخته و خانه‌ها مردم عادی را مورد مطالعه قرار داد، "معماری بومی" نام گرفت. (معماریان، ۱۳۹۳: ۷۶)

معماری پیش از آن که به دست برخی معماران چیره دست و مدبر، صاحب دانش‌های فنی و عملی، هنرمند، اندیشه‌پرداز و صاحب رأی به شکل غنی شده درآمد امری بود روزمره. آفرینش متشابه و مترادف با هر تظاهری دیگر که انسان‌ها، در ترکیب بیش از دو چیز با یکدیگر، تحقق می‌بخشند. به دیگر سخن باید چنین گفت که ابتدا معماری عامیانه، بومی، معماری سنتی و معماری بی‌تکلیف معماری بدیهه ساز و غیره زاده شده است و آن‌گاه معماری غنی شده، معماری متکی بر قانونمندی‌های شکل‌ها و کاربردها، معماری تشریفاتی یا به عبارتی همه‌گیر و جهانی «معماری کلاسیک» پا به عرصه وجود نهاد. (فلامکی،

۱۳۸۴)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۳- شناخت شهر رشت

با توجه به اقلیم پر باران و موقعیت جغرافیایی جلگه حاصلخیز گیلان جای این خاک برای زراعت و زندگی مناسب به نظر می‌رسد. قرارگیری این منطقه بین رشته‌کوه‌های البرز و دریای خزر منتج به وجود آمدن رنگ متفاوت این ناحیه نسبت به مناطق مرکزی و کویری ایران شده است.

شهر رشت با برخورداری از جایگاه ویژه خود، در مسیر تردد دو امیرنشین غربی و شرقی استان گیلان یعنی فومن و لاهیجان قرار گرفته بود. از سویی دیگر در زمانی که پایتخت ایران شهر قزوین بود، بندر پیربازار نقطه اتصال ایران به اروپا بوده است. بدین ترتیب دو محور شرقی غربی و شمالی جنوبی در این ناحیه به وجود آمد. بر مبنای جغرافیای سیاسی و کنش‌های اقتصادی این منطقه، شهر رشت از ابتدا بر مبنای انتقال مناسب مال‌التجاره به عنوان یک شهر تجاری پایه‌گذاری شد. وجود بازار و کاروانسراها در محورهای یاد شده نیز بر این موضوع تأکید می‌کند. (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۹)



شکل شماره (۱): شکل‌گیری شهر رشت

شهر کنونی رشت ابتدا قصبه‌ای بوده میان دو رودخانه گوهررود و سیاه‌رود که واحدهای مسکونی پراکنده‌ای، در فضای جنگلی و باغ‌های مرکبات آن، به دور مسجد یا بقعه و مزار بزرگواری شکل گرفته و هسته اولیه و قدیمی‌ترین بخش شهر را به تدریج شکل بخشیده است. بافت اولیه و ساختار کالبد اصلی آن تا حد بسیاری، به موقعیت ممتاز جغرافیایی، مبادلات بازرگانی و توسعه بازارهای بزرگ هفتگانه آن در دوره صفوی بستگی داشته و همین امر، موجب سیر تدریجی آن به سوی رشد و پیشرفت گردیده است. (پندی، ۱۳۸۷)

ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

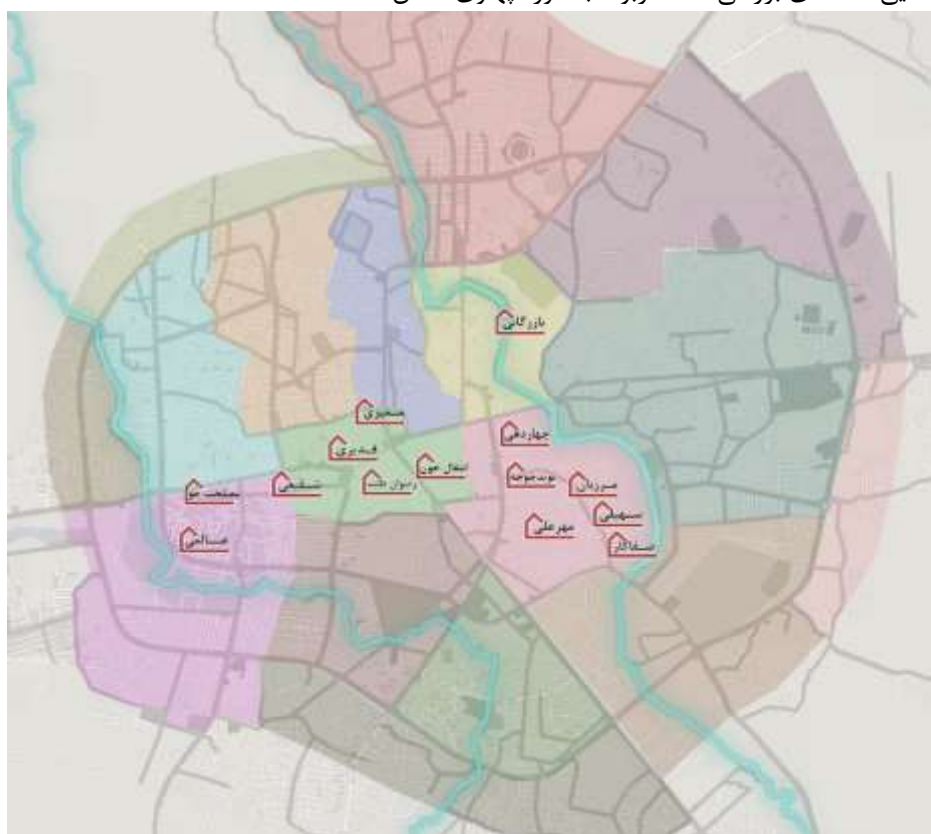


شکل شماره (۲): رودخانه‌های شهر رشت

۴- خانه‌های دوره پهلوی

خانه‌های این دوره به دو بخش خانه‌های مشرف به خیابان و خانه‌های مشرف به حیاط تقسیم می‌شوند. نوع ۱: در بخش اول حداقل یکی از نماهای اصلی بنا مجاور خیابان یا کوچه می‌باشد و تراس‌ها و بازشوهای نمای یاد شده مشرف به فضای عمومی می‌باشد و طرف دیگر بنا رو به حیاط می‌باشد. در طبقه اول این نوع بناها گاهی واحدهای تجاری در نظر گرفته شده است.

نوع ۲: بخش دوم شامل خانه‌هایی می‌شود که در میان حیاط قرار گرفته‌اند و بیش‌تر بازشوهای آن‌ها رو به حیاط می‌باشد. در نقشه زیر جانمایی خانه‌های بررسی شده مربوط به دوره پهلوی، نشان داده شده است:



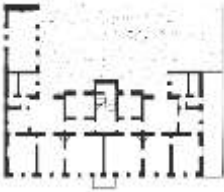
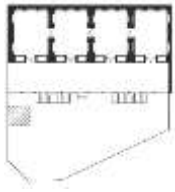
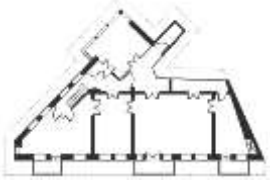
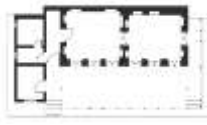


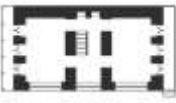
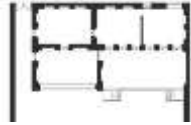


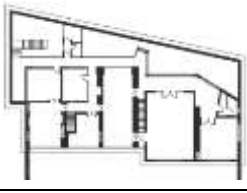
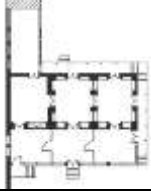

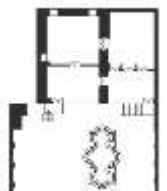
شکل شماره (۲): جانمایی خانه‌های دوره پهلوی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



جدول شماره (۱) : معرفی خانه‌های دوره پهلوی

ردیف	نام خانه	شمای کلی	ردیف	نام خانه	شمای کلی
۱	ممیزی		۸	عالمی	
۲	انتقال خون		۹	مطلحت- جو	
۳	شفیعی		۱۰	نوید جوجه	
۴	مهرعلی		۱۱	صفاکار	
۵	قدیری		۱۲	مرزبان	
۶	چهاردهی		۱۳	سهیلی	
۷	بازرگانی		۱۴	رضوان- طلب	

ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۵- تحلیل کالبدی خانه‌ها

هندسه بنا در زمین

در بسیاری از خانه‌ها بنا حداقل متصل به یکی از جداره‌های زمین می‌باشد. اگر کوچه یا خیابانی که مجاور زمین قرار دارد پتانسیل تجاری داشته باشد، معمولاً طبقه اول بنا به چند باب مغازه اختصاص می‌یابد و طبقه دوم بنا تبدیل به بخش مسکونی می‌شود. تعداد دیگری از بناها در میان زمین قرار گرفته‌اند و محوطه را به دو بخش حیاط شمالی و جنوبی یا حیاط شرقی و غربی تقسیم کرده‌اند. فضاهای خدماتی نظیر سرویس بهداشتی و مطبخ در این دوره به بنای اصلی نزدیک هستند. در بعضی خانه‌ها سرویس در کنار بنا و چسبیده به آن جانمایی شده است. در برخی دیگر از نمونه‌ها نیز فضاهای خدماتی در داخل خانه جای گرفته‌اند.

جدول شماره (۲): هندسه خانه‌های پهلوی

نام خانه	پلان	هندسه بنا در زمین	نام خانه	پلان	هندسه بنا در زمین
قدیری، چهاردهی، نوید			مهرعلی، رضوان طلب		
ممیزی، انتقال خون، شفیعی			مرزبان		
صفاکار، عالمی، مصلحت‌جو			بازرگانی		
			سهیلی		

تقریباً جهت‌گیری کلی نیمی از بناها شرقی غربی بوده و نیمه دیگر شمالی جنوبی می‌باشد. بناهای گروه اول به منظور استفاده از کوران شمالی جنوبی منطقه، در این جهت قرار گرفته‌اند؛ اما متأسفانه در برخی خانه‌ها در جداره شمالی بازشویی برای ورود هوا مشاهده نمی‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

الگوهای بخش مسکونی

خانه‌هایی که در این دوره بررسی شده‌اند از نظر تعداد طبقات به چند گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول خانه‌های دو طبقه‌ای هستند که ارتفاع دو طبقه برای زندگی روزمره مناسب می‌باشد. اگر این دسته از خانه‌ها در مجاورت خیابان اصلی یا کوچه قرار بگیرند، گاهی طبقه زیرین آن‌ها به عنوان فضای تجاری استفاده می‌شود. گروه دوم خانه‌های دو طبقه‌ای هستند که طبقه زیرین آن‌ها ارتفاع کمی دارد و نقشی شبیه به زیرزمین در مناطق مرکزی ایران را ایفا می‌کند. طبقه زیرین این خانه‌ها که معمولاً در تراز همکف یا دو الی سه پله پایین‌تر از همکف قرار دارند، به عنوان فضاهای خدماتی مانند مطبخ یا انبار مورد استفاده قرار می‌گیرد. گروه سوم خانه‌های یک طبقه‌ای هستند که بر روی یک کرسی قرار گرفته‌اند.



شکل شماره (۳): تنوع طبقات خانه‌ها در دوره پهلوی

در بناهایی که قدمت کمتری دارند و به خصوص در مجاورت خیابان هستند، ایوان‌های سرتاسری طبقات بالا که به تالار نیز معروف است و در معماری بومی این منطقه بسیار یافت می‌شود، به تراس‌های کوچکی تبدیل شده‌اند که از نما به سمت بیرون کنسول شده‌اند. این تراس‌ها که به هرّه نیز معروف هستند در بسیاری از خانه‌ها بلا استفاده مانده و یا به انبار تبدیل شده‌است.



شکل شماره (۴): هرّه در نما



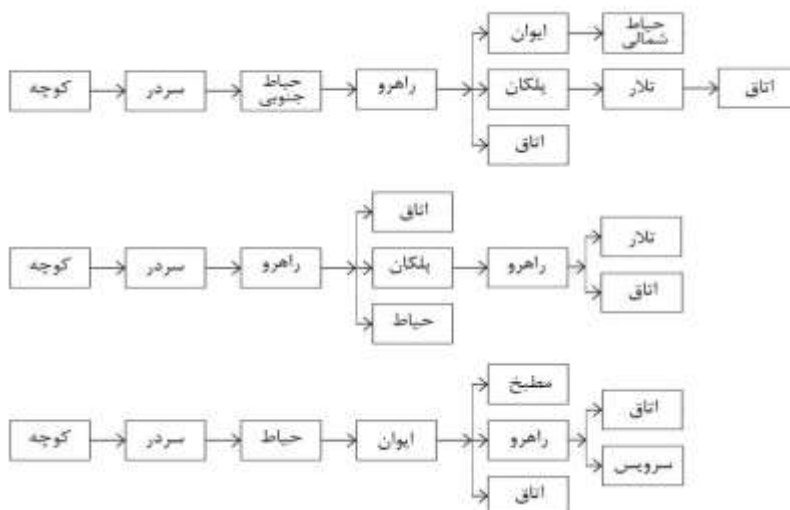
ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

جدول شماره (۳) : تیپ‌بندی خانه‌های پهلوی بر اساس محل قرارگیری ایوان

تیپ	نام خانه	تیپ	نام خانه	تیپ	نام خانه
	مرزبان		سهیلی		قدیری
	مهرعلی		رضوان طلب		ممیزی، انتقال خون
	چهاردهی، شفیعی		بازرگانی		صفاکار، مصلحت جو

سلسله مراتب فضایی

در سلسله مراتب ورود به خانه در بناهای این دوره فضای جدیدی به اسم راهرو به چشم می‌خورد. این فضا معمولاً پس از درب ورودی بنای اصلی قرار می‌گیرد. راهرو علاوه بر اینکه مسیری برای ارتباط اتاق‌هاست، به عنوان فضای مکث و فضایی نیمه عمومی شناخته می‌شود. در خانه‌هایی که شامل دو طبقه می‌شوند، عنصر پله نیز در قسمتی از فضای راهرو قرار می‌گیرد.





ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مصالح، سازه و تزئینات

مصالح بیش‌تر خانه‌ها با دیوارهای باربر شامل آجر پخته می‌شود. علاوه بر آن از چوب به صورت فراوان در ایوان‌ها، تالارها و کف طبقات استفاده شده‌است. گفته می‌شود در گذشته خانه‌هایی با دیوارهای گلی و چوبی و پوشش سقف پوشالی ساخته می‌شده است، اما به دلیل شرایط جوّی منطقه این خانه‌ها باقی نمانده‌اند. در این دوره در سال ۱۳۱۳ شمسی دولت وقت به دلیل مقابله با خطرات ناشی از آتش‌سوزی، استفاده از سقف‌های پوشالی و گالی را ممنوع اعلام کرد و از آن پس استفاده از سقف‌های سفالی در تمامی خانه‌ها رایج گشت. (اصلاح عربانی، ۱۳۸۴)

در زمینه تزئینات داخلی معماری خانه‌ها تا حدودی به معماری نقاط مرکزی ایران شباهت دارد. احتمالاً به علت رطوبت بالا و باران‌های زیاد در معماری این منطقه به طور کلی به تزئینات خارجی کمتر پرداخته شده‌است. در این دوره به طور کلی می‌توان گفت تزئینات بنا شامل جزئیات تیرهای پیش آمده سقف، ارسی‌های رنگی، جان‌پناه‌های چوبی ایوان و راه‌پله، آجرکاری‌های سردر و طاقچه‌های دیوار محوطه می‌شود.

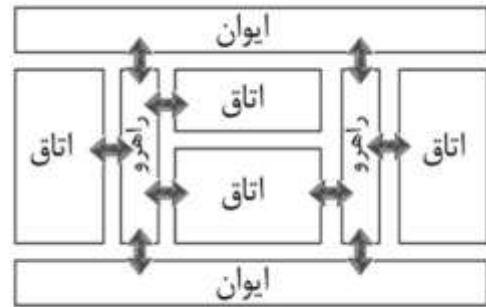
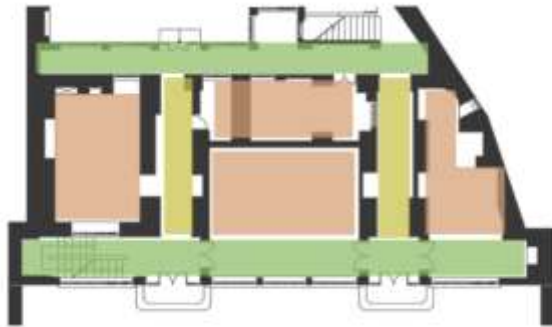


شکل شماره (۵): تزئینات خارجی و داخلی خانه‌های پهلوی

۶- نتیجه‌گیری

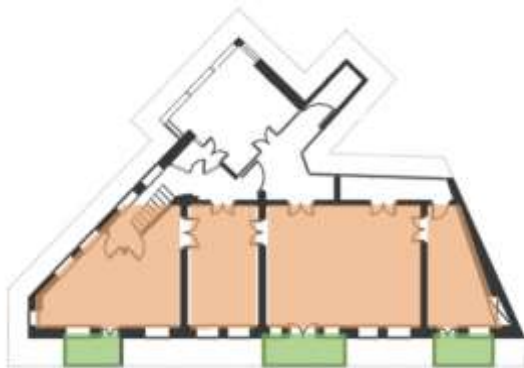
با توجه به چینش اتاق‌ها و نوع قرارگیری ایوان، بناهای این دوره به سه تیپ پیش‌رو قابل تقسیم می‌باشند:
نوع ۱: اولین گونه از این تیپ‌بندی بناهایی هستند که در آن اتاق‌ها به صورت ردیفی در کنار هم قرار می‌گیرند و ایوان یا تالارهایی سرتاسری در اطراف آن‌ها می‌باشد. همچنین در برخی از نمونه‌ها راهروهایی بین این اتاق‌ها واقع می‌شود. پس از بازسازی برخی از خانه‌ها لبه ایوان یا تالارهای سرتاسری توسط پنجره یا ارسی‌هایی رنگی بسته می‌شوند. فضای پشتی این دیوارهای شیشه‌ای زمانی که ارسی یا پنجره‌ها باز شوند، مانند تالار عمل می‌کند.

ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



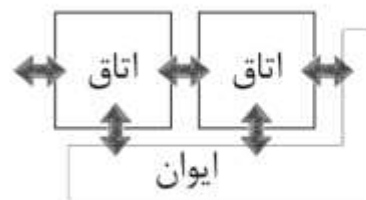
شکل شماره (۶): گونه نوع ۱ خانه پهلوی

نوع ۲: دومین تیپ این تقسیم‌بندی شامل بناهایی می‌شود که اتاق‌های آن به صورت ردیفی در کنار هم قرار گرفته‌اند و تراس یا هرّه‌هایی از نمای اتاق‌ها بیرون زده‌است. این خانه‌ها دو طبقه هستند و هرّه‌ها به سمت خیابان یا کوچه‌ای هستند که بنای اصلی در مجاورت آن قرار گرفته‌است. این گونه از بناها در سمت حیاط خود نیز می‌توانند یک ایوان باریک به عنوان مسیر ارتباطی بین اتاق‌ها داشته باشند.



شکل شماره (۷): گونه نوع ۲ خانه پهلوی

نوع ۳: در این تیپ از خانه‌ها اتاق‌ها به صورت ردیفی در کنار هم قرار می‌گیرند و ایوان یا ایوان‌هایی در چند جهت اطراف آن- هاست. بازشو این اتاق‌ها گاهی تنها به سمت ایوان است و گاه از دو طرف اتاق.



شکل شماره (۸): گونه نوع ۳ خانه پهلوی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مراجع

۱. باشلار، گاستن. بوطیقای فضا، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۷
۲. پندی، کیوان. رشت در آیینہ تاریخ، انتشارات کتیبه گیل، ۱۳۸۷
۳. خاکپور، مژگان و همکاران. گونه‌شناسی خانه‌های بافت قدیم شهر رشت، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۱، ۱۳۸۹
۴. فلامکی، محمد منصور. باز زنده‌سازی شهرها و بناهای تاریخی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
۵. نوربرگ شولتز، کریستین. مفهوم سکونت، انتشارات آگه، ۱۳۹۲
۶. معماریان، غلامحسین. مبنای طراحی معماری، انتشارات نغمه نو اندیش، ۱۳۹۳